

تاریخ اسلام

شرح حال و زندگی حضرت امیرالمؤمنین علیؑ

(۵)

حضرت علیؑ و فدک

نویسنده:

علی ریخته‌گرزاده تهرانی

نام جزوه : تاریخ اسلام - شرح حال و زندگی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام (۵)

موضوع : حضرت علی علیه السلام و فدک

نویسنده : علی ریخته گرزاده تهرانی

ناشر : دفتر نشر فرهنگ و معارف اسلامی مسجد هدایت

آدرس : تهران، خیابان جمهوری اسلامی، مسجد هدایت

تلفن : ۰۲۴-۳۳۹۰۷۰۲۴ - ۰۲۱ - ۳۳۳۹۲۶۲۳ - ۰۲۱

صندوق پستی : ۵۹۵ - ۱۱۵۵

آدرس وب سایت : [www.hedayatgar.ir](http://www.hedayatgar.ir)

## فهرست مطالب

عنوان	صفحه
حضرت علی <small>عليه السلام</small> و فدک .....	۴
مشخصات فدک .....	۵
فدک هدیه پیامبر <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small> به حضرت فاطمه <small>عليها السلام</small> .....	۷
چرا پیامبر <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small> فدک را به دختر خود بخشید؟ .....	۸
درآمد فدک .....	۱۰
انگیزه های تصرف فدک .....	۱۴
کمبود بودجه ی حکومت .....	۱۶
عامل دیگر تصرف فدک .....	۱۷
فدک در کشاکش گرایش‌ها و سیاست‌های متضاد .....	۲۳
پرونده فدک در معرض افکار عمومی .....	۳۰
خودآزمایی .....	۳۲

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### حضرت علیؑ و فدک

بالآخره غوغای سقیفه در راه انتخاب خلیفه به پایان رسید، و ابوبکر زمام حکومت را به دست گرفت. حضرت علیؑ با گروهی از یاران با وفایش از صحنه‌ی حکومت بیرون رفتند. ولی پس از آگاه کردن اذهان عمومی، برای حفظ وحدت، راه مخالفت با حکومت را پیش نگرفته و به کار فرهنگی پرداختند. قرآن را تفسیر نموده، در موارد لازم که دیگران نمی‌توانستند و عمدتاً مشکلات اجتماعی از قبیل قضاوت بین افراد را انجام می‌دادند به گونه‌ای که همه افراد را مات و مبهوت می‌ساختند و گاهی که دانشمندان ادیان دیگر شبهه‌افکنی کرده و یا مشکلات علمی داشتند، وارد میدان شده و از حریم مقدس اسلام و احکام قرآن، دفاع نموده و بدین ترتیب به خدمات فردی و اجتماعی خود ادامه می‌دادند.

امام عَلَيْهِ السَّلَامُ در میان مسلمانان امتیازاتی مخصوص به خود داشتند. هم از نظر انتساب به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و هم فرمایشاتی که در مقاطع مختلف از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در باب فضائل آن حضرت مردم شنیده بودند و هم احاطه‌ی علمی بی‌نظیر ایشان بر قرآن و حدیث و بر کتاب‌های آسمانی دیگر و... در این میان، امتیاز دیگری داشتند که ممکن بود در آینده برای دستگاه خلافت ایجاد اشکال کند و آن قدرت اقتصادی و درآمدی بود که از طریق فدک به آن حضرت می‌رسید، از این جهت دستگاه خلافت مصلحت دید که این قدرت را از دست امام عَلَيْهِ السَّلَامُ خارج کند زیرا این امتیاز مانند امتیازات علمی و ایمانی و... نبود که نتوان آن را از دست امام عَلَيْهِ السَّلَامُ بیرون کرد.

### مشخصات فدک

فدک، سرزمین آباد و حاصلخیزی است در نزدیکی خیبر و فاصله‌ی آن با مدینه حدود ۱۴۰ کیلومتر بود و یکی از مراکز یهودیان ساکن عربستان بود. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ پس از آن که نیروهای یهود را در «خیبر» درهم شکست، برای پایان دادن به قدرت یهود (که مزاحم سرسخت اسلام و مسلمین بودند و در هر فرصتی یا به تنهائی یا با همدستی با مشرکین مکه با پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به مبارزه برمی‌خواستند)، فردی را به نام «محیط» نزد سران فدک فرستادند. «یوشع بن نون»

که ریاست فدک را به عهده داشت صلح با پیامبر ﷺ و تسلیم در برابر نیروهای اسلام را بر نبرد با آن‌ها ترجیح داد و ساکنان فدک متعهد شدند که نیمی از محصول کشاورزی خود را هر سال در اختیار پیامبر اسلام ﷺ بگذارند و همچون مسلمانان تحت حمایت حکومت اسلام زندگی کنند و دیگر بر ضد مسلمانان شورشی نداشته باشند، و حکومت اسلامی نیز متعهد شده امنیت منطقه‌ی آنان را تأمین کند.

در اسلام سرزمین‌هایی که از طریق جنگ و نبرد نظامی گرفته شود متعلق به عموم مسلمانان است و اداره‌ی آن به دست حاکمان شرع خواهد بود ولی سرزمینی که بدون حمله‌ی نظامی در اختیار مسلمانان قرار گیرد مربوط به شخص پیامبر ﷺ و امام پس از اوست و باید به طوری که در قوانین اسلام معین شده است، در موارد خاصی به کار رود و یکی از آن موارد این است که پیامبر و امام نیازمندی‌های مشروع نزدیکان خود را به وجه آبرومندی برطرف سازند.<sup>۱</sup>



---

۱. آیه ۶ و ۷ سوره حشر در قرآن، این مطلب را بیان فرموده و در کتاب‌های فقهی در کتاب جهاد این مطلب تحت عنوان «فیء» بحث شده است.

فدک هدیه پیامبر ﷺ به حضرت فاطمه عليها السلام

مفسران و محدثان شیعه و گروهی از دانشمندان سنی می نویسند:

وقتی آیهی شریفه **﴿وَأْتِ ذِي الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ﴾**<sup>۱</sup>

« یعنی حق خویشاوندان و مساکین و در راه ماندگان را پرداز.» نازل شد،

پیامبر ﷺ دختر خود حضرت فاطمه عليها السلام را خواست و فدک را به وی

واگذار کرد.<sup>۲</sup> راوی این حدیث (ابوسعید خدری) یکی از صحابهی بزرگ

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است.

کلیه مفسران شیعه و سنی قبول دارند که آیه در حق نزدیکان و خویشاوندان

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است و دختر آن حضرت بهترین مصداق برای «ذی القربی»

است، چون قرآن می فرماید: حق خویشاوندان را به آن‌ها بده حتی هنگامی که

مردی شامی در شام به حضرت زین العابدین علیه السلام گفت:

خود را معرفی کن آن حضرت برای شناساندن خود به شامیان این آیه را

تلاوت کردند و این مطلب چنان در میان مسلمانان روشن بود که آن مرد شامی

۱. سوره اسراء آیه ۲۶

۲. از میان دانشمندان سنی می توان به شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۱۶ ص ۲۶۸ و تفسیر «در المنثور»

ج ۴ ص ۱۷۷ مراجعه کرد.

در حالی که سر خود را به عنوان تصدیق حرکت می‌داد به آن حضرت چنین عرض کرد:

به سبب نزدیکی و خویشاوندی خاصی که با حضرت رسول ﷺ دارید خدا به پیامبر خود دستور داده که حق شما را بدهد.<sup>۱</sup>

خلاصه اینکه، این مطلب که آیه فوق در حق حضرت زهرا عَلِیَّهَا السَّلَام و فرزندان وی نازل شده، مورد اتفاق مسلمانان است ولی مطلب اول یعنی آن‌که، هنگام نزول این آیه حضرت پیامبر ﷺ فدک را به دختر گرامی خود بخشید مورد اتفاق دانشمندان شیعه و برخی از دانشمندان سنی است.

### چرا پیامبر ﷺ فدک را به دختر خود بخشید؟

می‌دانیم و تاریخ زندگی پیامبر ﷺ و خاندان او به خوبی گواهی می‌دهد که آنان هرگز دلبستگی به دنیا نداشته‌اند و چیزی که در نظر آنان ارزشی نداشت همان ثروت دنیا بود. مع الوصف می‌بینیم که پیامبر گرامی ﷺ فدک را به دختر خود بخشید و آن را به خاندان حضرت علی عَلِیُّهَا السَّلَام اختصاص داد، در اینجا این سؤال پیش می‌آید که چرا پیامبر ﷺ فدک را به دختر خود بخشید در پاسخ این سؤال چند نکته را می‌توان ذکر کرد:

۱. تفسیر «درالمثور» ج ۴ ص ۱۷۶



۱. زمامداری مسلمانان پس از فوت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ طبق فرمایشات مکرر آن حضرت، با امیرمؤمنان عَلِيٍّ بود و این مقام و منصب به هزینه سنگین نیاز داشت، حضرت علی عَلِيٍّ برای اداره‌ی امور وابسته به منصب خلافت می‌توانست از درآمد فدک به نحو احسن استفاده کند. گویا دستگاه خلافت از این پیش‌بینی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مطلع شده بود که در همان روزهای نخست فدک را از دست خاندان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بیرون برد.

۲. دودمان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که فرد شاخص آن یگانه دختر وی و نور دیدگانش حضرت حسن و حضرت حسین عَلَيْهِمَا بود باید پس از فوت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به صورت آبرومندی زندگی کنند و حیثیت و شرف رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و خاندانش محفوظ بماند.

۳. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌دانست که گروهی کینه‌ی حضرت علی عَلِيٍّ را در دل دارند، زیرا بسیاری از بستگان ایشان به شمشیر آن حضرت در میدان‌های جهاد کشته شده‌اند، یکی از راه‌های زدودن این کینه این بود که امام عَلِيٍّ از طریق کمک‌های مالی از آنان دلجوئی کند و عواطف آنان را به خود جلب نماید، همچنین به کلیه بینوایان و درماندگان کمک کند، و مسئولیتی که یک رهبر اسلامی نسبت به طبقه‌ی ضعیف جامعه دارد ایفا شود.

## درآمد فدک

با مراجعه به تاریخ، همه این جهات سه گانه در ذهن انسان قوت می‌گیرد، زیرا فدک یک منطقه حاصلخیز بود که می‌توانست حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ را در راه اهداف خویش کمک کند.

حلبی، مورخ معروف در سیره‌ی خود می‌نویسد:

ابوبکر مایل بود که فدک در دست دختر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ باقی بماند و حق مالکیت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ را در ورقه‌ای تصدیق کرد، اما عمر از دادن ورقه به فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ مانع شد و رو به ابوبکر کرد و گفت: فردا به درآمد فدک نیاز شدیدی پیدا خواهی کرد، زیرا اگر مشرکان عرب بر ضد مسلمانان قیام کنند از کجا هزینه‌ی جنگی را تأمین می‌کنی.<sup>۱</sup>

از این جمله معلوم می‌شود که درآمد فدک به مقداری بوده است که می‌توانسته بخشی از هزینه جهاد با دشمن را تأمین کند از این جهت لازم بود که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ این قدرت اقتصادی را در اختیار حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ قرار دهد.

ابن ابی الحدید می‌گوید:

من به یکی از دانشمندان مذهب امامیه درباره‌ی فدک چنین گفتم: دهکده‌ی

فدک آنچنان وسعت نداشت و سرزمین به این کوچکی، که جز چند نخل در آنجا نبود، اینقدر مهم نبود که مخالفان حضرت فاطمه علیها السلام در آن طمع ورزند.

او در پاسخ من گفت: تو در این مطلب اشتباه می‌کنی، شماره نخل‌های آنجا از

نخل‌های کنونی کوفه کمتر نبود، به طور مسلم ممنوع ساختن خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله

از این سرزمین حاصلخیز برای این بود که مبدا امیرمؤمنان علیه السلام از درآمد آنجا

برای مبارزه با دستگاه خلافت استفاده کند. لذا نه تنها فاطمه علیها السلام را از فدک

محروم ساختند، بلکه کلیه بنی هاشم و فرزندان عبدالمطلب را از حقوق مشروع

خود (خمس غنائم) هم بی‌نصیب نمودند، افرادی که باید دائماً به دنبال تأمین

زندگی بروند و با نیازمندی به سر ببرند هرگز فکر مبارزه با وضع موجود را در

مغز خود نمی‌پرورانند.<sup>۱</sup>

امام موسی بن جعفر علیه السلام، در پاسخ به هارون وقتی پرسید حدود فدک

از کجا تا کجاست؟ فرمود: از یک طرف به «عدن»، از طرف دوم به «سمرقند» از

جهت سوم به «آفریقا» از جانب چهارم به دریاها و جزیره‌ها و ارمنستان ...

محدود می‌باشد.<sup>۲</sup>

۱. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۶ ص ۲۳۶

۲. بحار الانوار، ج ۴۸ ص ۱۴۴

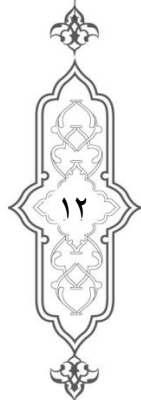
به طور مسلم، فدک که بخشی از خبیر بود، چنان حدودی نداشت، مقصود امام کاظم علیه السلام این بوده است که تنها سرزمین فدک از آنان غصب نشده است بلکه حکومت بر ممالک پهناور اسلامی که حدود چهار گانه‌ی آن در سخن امام تعیین شده از اهل بیت علیهم السلام گرفته شده است.

قطب‌الدین راوندی نوشته است:

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سرزمین فدک را به مبلغ بیست و چهار هزار دینار اجاره داد. در برخی از احادیث هفتاد هزار دینار نیز نقل شده است و این اختلاف به حسب تفاوت درآمد سالانه آن بوده است.

هنگامی که معاویه به خلافت رسید فدک را میان سه نفر تقسیم کرد، یک سوم آن را به مروان بن حکم و یک سوم دیگر را به عمرو بن عثمان و باقی مانده را به فرزند خود یزید داد. و چون مروان به خلافت رسید همه‌ی سهام را جزو تیول خود قرار داد.<sup>۱</sup>

از این گونه تقسیم‌بندی معاویه استفاده می‌شود که فدک سرزمین قابل ملاحظه‌ای بوده است که معاویه آن را میان سه نفر که هر یک نماینده‌ی فامیل بزرگی بود تقسیم کرد.



وقتی حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ با ابوبکر درباره‌ی فدک سخن گفت و گواهان خود را برای اثبات مدّعی خود نزد او برد وی در پاسخ دختر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گفت: فدک ملک شخصی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نبوده، بلکه از اموال مسلمانان بود که از درآمد آن سپاهی را مجهّز می‌کرد و برای نبرد با دشمنان می‌فرستاد و در راه خدا نیز اتفاق می‌کرد.<sup>۱</sup>

اینکه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با درآمد فدک سپاه بسیج می‌کرد یا آن را میان بنی‌هاشم و بینوایان تقسیم می‌فرمود نشان می‌دهد که این بخش از خیر درآمد سرشاری داشته که برای بسیج سپاه کافی بوده است.

هنگامی که عمر تصمیم گرفت شبه جزیره را از یهودیان پاک سازد به آنان اخطار کرد که سرزمین‌های خود را به دولت اسلامی واگذار کنند و بهای آن را بگیرند.

پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از روز اول با یهودیان ساکن فدک قرار گذاشته بودند که نیمی از آن را در اختیار داشته باشند و نیم دیگر را به رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ واگذار کنند. از این جهت، خلیفه چند نفر را به نام‌های ابن تیهان و فروه و حباب و زید بن ثابت را به فدک اعزام کرد تا بهای مقدار غصب شده‌ی آن را پس از

۱. شرح نهج البلاغه، ج ۱۶ ص ۲۱۴



قیمت‌گذاری به ساکنان یهودی آنجا بپردازد، آنان سهم یهودیان را به پنجاه هزار درهم قیمت کردند و عمر این مبلغ را از مالی که از عراق به دست آمده بود پرداخت.<sup>۱</sup>

### انگیزه‌های تصرف فدک

حکومت نوپای ابوبکر با مخالفت‌های چند گروه مواجه بود، گروه اول خاندان بنی‌هاشم به رهبری حضرت امیرمؤمنان علیه السلام که این دسته به خاطر حفظ اصل اسلام سکوت کرده و بنای مبارزه علنی را با حکومت وقت نداشتند، گروه دیگر مهاجران (یعنی کسانی که اهل مکه بودند و با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به مدینه آمده بودند) از قریش بود، که برخی از آن‌ها همچون ابوسفیان افراد با نفوذی بودند که خلیفه می‌بایست آن‌ها را با خود همراه سازد، روزی که سقیفه بنی ساعده تشکیل شد از مهاجران تنها سه تن در سقیفه حضور داشتند و آن سه نفر کسی جز خلیفه و دو نفر از همفکران وی عمر و ابو عبیده نبود، بدون تردید اینگونه بیعت گرفتن خشم گروهی را برمی‌انگیخت، به همین جهت ابوسفیان که سخت از این جریان ناراحت بود به خانه حضرت علی علیه السلام و عباس رفته و هر دو را برای قیام مسلحانه دعوت کرد و گفت من مدینه را با پیاده و سواره پر می‌کنم برخیزید و زمام امور را به دست گیرید.

گروه سوم، جمع زیادی از انصار (مردم مدینه) مخصوصاً خزرجیان بودند که از روز اول با خلیفه بیعت نکردند و با دلی لبریز از خشم سقیفه را ترک گفتند، قهراً این گروه‌ها می‌باید مورد مهر و محبت خلیفه قرار گیرند، در مورد ابوسفیان برای ساکت کردن او خلیفه اموالی را به او بخشید و فرزند او را به نام «یزید» برادر معاویه را به حکومت شام فرستاد. ابوسفیان تا شنید گفت ابوبکر صله‌ی رحم کرده است.<sup>۱</sup>

با اینکه هیچگونه نسبت فامیلی بین آن‌ها وجود نداشت. خلیفه نه تنها برای خرید عقاید مردان اقدام نمود، بلکه اموالی را نیز میان زنان انصار تقسیم کرد، وقتی یزید بن ثابت سهم یکی از زنان «بنی عدی» را به در خانه او آورد، آن زن پرسید که این چیست؟

یزید گفت سهمی است<sup>۲</sup> که خلیفه میان زنان و از جمله تو تقسیم کرده است زن با ذکاوت خاصی دریافت که این پول یک رشوه دینی نیست لذا به او گفت برای خرید دینم رشوه می‌دهید؟ سوگند بخدا چیزی از او نمی‌پذیرم و آن را ردّ کرد.

۱. تاریخ طبری ج ۳ ص ۲۰۲

۲. شرح نهج البلاغه، ج ۱ ص ۱۳۳

## کمبود بودجه‌ی حکومت

یکی دیگر از انگیزه‌های تصرف فدک این بود که بیت‌المال خالی بود، رسول خدا ﷺ در دوران بیماری خود هر چه در اختیار داشت همه را تقسیم کرد و بیت‌المال خالی بود، و اموال مختصری که از اطراف مدینه می‌رسید پاسخگو نبود از سوی دیگر برخی قبایل اطراف پرچم مخالفت با حکومت را برافراشته و از پرداخت زکات و مالیات خودداری کردند.

از این جهت حزب حاکم نیاز به یک منبع درآمد نسبتاً سنگینی داشت. و عمر به طوری که از سیره‌ی حلبی نقل کردیم به گونه‌ای به این حقیقت اعتراف کرد و به ابوبکر چنین گفت: فردا به درآمد فدک نیاز شدیدی پیدا خواهی کرد. زیرا اگر مشرکان عرب بر ضد مسلمانان قیام کنند، از کجا هزینه‌ی جنگی آن‌ها را تأمین خواهی کرد.

گفتار و کردار خلیفه و همفکران او نیز بر این مطلب گواهی می‌دهد چنانکه وقتی حضرت فاطمه علیها السلام فدک را از او مطالبه کرد. در پاسخ گفت: پیامبر ﷺ هزینه‌ی زندگی شما را تأمین می‌کرد و باقیمانده‌ی درآمد آن را میان مسلمانان قسمت می‌نمود، در این صورت تو با درآمد آن چه کار خواهی کرد؟

دختر پیامبر ﷺ فرمود: من نیز از روش او پیروی می‌کنم و باقیمانده آن را



در میان مسلمانان تقسیم خواهد کرد با اینکه حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ راه را بر خلیفه بست وی گفت من نیز همان کاری را انجام می‌دهم که پدرت انجام می‌داد.<sup>۱</sup>

البته اگر منظور این بود که درآمد فدک میان فقرا تقسیم شود چه فرقی می‌کرد که این کار به وسیله خلیفه انجام شود یا به وسیله امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ، بدون تردید اصرار خلیفه بر اینکه درآمد فدک در اختیار او باشد گواه است که او چشم به این درآمد دوخته بود تا از آن برای تحکیم حکومت خود استفاده کند.

### عامل دیگر تصرف فدک

چنانکه در گذشته گفته شد، عامل دیگر تصرف فدک ترس از قدرت اقتصادی امیرمؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَامُ بود. امام همه‌ی شرایط رهبری را دارا بود زیرا علم و تقوی و سوابق درخشان و قرابت و خویشاوندی با پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و توصیه و سفارشات مکرر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ درباره‌ی او قابل انکار نبود و هرگاه فردی با این شرایط و زمینه‌ها قدرت مالی نیز داشته باشد و بخواهد با دستگاه متزلزل خلافت رقابت کند، این دستگاه با خطر بزرگی مواجه خواهد بود، در این صورت، اگر گرفتن امکانات ذاتی و شخصیتی حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ امکان‌پذیر نیست و نمی‌توان با زمینه‌های مساعدی که در وجود اوست مبارزه کرد ولی می‌توان قدرت اقتصادی را

از آن حضرت گرفت، بدین جهت، فدک را گرفتند تا خاندان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را محتاج دستگاه خلافت قرار دهند.

این حقیقت از گفتگوی عمر با خلیفه به روشنی استفاده می‌شود، او به ابوبکر گفت: مردم بندگان دنیا هستند و جز دنیا هدفی ندارند، تو خمس و غنائم را از علی بگیر و فدک را از دست او بیرون آور، که وقتی مردم دست او را خالی دیدند او را رها کرده به تو متمایل می‌شوند.<sup>۱</sup>

گواه دیگر بر این مطلب این است که دستگاه خلافت نه تنها خاندان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را از فدک محروم کرد، بلکه آنان را از یک پنجم غنائم جنگی نیز که به صراحت قرآن متعلق به خویشان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است<sup>۲</sup> محروم ساخت و پس از درگذشت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ دیناری از این طریق به آن‌ها پرداخت نشد.

در اینجا نکته‌ای را باید تذکر دهم، و آن اینکه وقتی می‌گوئیم (خمس غنائم جنگی) یعنی یک پنجم از غنیمت‌هایی که در جنگ نصیب مسلمین می‌شود، بنا به تفسیری است که دانشمندان اهل سنت برای آیه‌ی ۴۱ سوره انفال کرده‌اند در آن آیه خداوند می‌فرماید:

۱. ناسخ التواریخ جلد حضرت زهرا ص ۱۲۲

۲. سوره انفال آیه ۴۱



## ﴿وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ خُمُسُهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ﴾

«بدانید آنچه به عنوان غنیمت به دست می‌آورید، یک پنجم آن از آن خداوند و پیامبر و خویشاوندان است»، دانشمندان اهل سنت، واژه «غنیمت» را به دست آورده‌های میدان جنگ و آنچه مسلمانان در نبرد با کفار از گروه متقابل به دست می‌آورند تفسیر کرده‌اند و بدین ترتیب «خمس» را در همان دست آورده‌های میدان جنگ خلاصه نمودند ولی بنا بر تفسیری که فقهای شیعه براساس فرمایشات معصومین علیهم‌السلام از این آیه دارند، واژه «غنیمت» تنها به دست آورده‌های مسلمین از جنگ با کفار خلاصه نمی‌شود، بلکه غنیمت شامل همه‌ی بهره‌های اقتصادی مسلمانان از جمله معادن و گنج‌ها و آنچه از زیر دریا با غواصی کردن و رفتن در عمق آن به دست می‌آورند و... می‌شود.

فرمایشات فقهای بزرگوار شیعه در این زمینه بسیار است و ما برای نمونه تنها سخنی را از مرحوم شیخ مفید رحمته‌الله می‌آوریم. ایشان در کتاب مقنعه می‌فرماید:

خمس در هر غنیمتی واجب است خداوند متعال می‌فرماید:

## ﴿وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ﴾

و مقصود از غنیمت هر چیزی است که به دست آید یا به وسیله جنگ همچون اموال کفار و سلاح آنان و لباس و غیره و یا آنچه که از معدن‌ها و عمق دریاها و گنج‌ها و...

و هر چه که از هزینه‌ی زندگی مردم از سود تجارت و زراعت و صنعت و غیره آن‌ها به دست آمده و از هزینه‌ی یک سال زندگی آنان اضافه باشد.<sup>۱</sup>

در هر حال اگر دانشمندان اهل سنت یک پنجم کل بهره‌های اقتصادی جامعه را برای خاندان پیامبر ﷺ قبول ندارند. (که این خود یک طرفداری و اساسی برای نیازمند نگاه داشتن خاندان پیامبر ﷺ و کسانی که برای رهبری امت اسلامی ساخته و پرداخته شده‌اند، می‌باشد) حداقل این است که یک پنجم از غنائم جنگی را برای آنان پذیرفته‌اند.

تاریخ‌نویسان غالباً تصور می‌کنند که اختلاف حضرت فاطمه علیها السلام با خلیفه وقت تنها بر سر فدک بود در صورتی که او با خلیفه بر سر سه موضوع اختلاف داشت:

۱. فدک که پیامبر ﷺ آن را به حضرت زهرا علیها السلام بخشیده بودند.
  ۲. ارثی که از پیامبر ﷺ برای دخترش باقی مانده بود.
  ۳. سهم «ذی‌القربی» یعنی خاندان پیامبر ﷺ از خمس.
- عمر می‌گوید وقتی حضرت فاطمه علیها السلام فدک و سهم «ذی‌القربی» را از خلیفه خواست، خلیفه خودداری کرد و پرداخت.

أنس ابن مالک می‌گوید:

فاطمه عليها السلام نزد خلیفه آمد و آیهی خمس را که در آن سهمی برای خویشاوندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مقرر شده قرائت کرد، خلیفه گفت قرآنی که تو می‌خوانی من نیز می‌خوانم، من هرگز سهم «ذی القربی» را نمی‌توانم به شما بدهم، بلکه حاضرم هزینه‌ی زندگی شما را از آن تأمین کنم و باقی را در مصالح مسلمانان مصرف کنم.

فاطمه عليها السلام فرمود: حکم خدا این نیست، وقتی آیه خمس نازل شد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود بر خاندان محمد بشارت باد که خداوند (از فضل و کرم خود) آنان را بی‌نیاز ساخت.

خلیفه گفت: به عمر و ابوعبیده مراجعه می‌کنم، اگر با نظر تو موافقت کردند حاضرم همه‌ی سهمیه‌ی «ذی القربی» را به تو بپردازم. وقتی از آن دو سؤال شد آنان نیز نظر خلیفه را تأیید کردند، فاطمه عليها السلام از این وضع سخت تعجب کرد و دریافت که آنان با هم تبانی کرده‌اند.<sup>۱</sup>

کار خلیفه جز اجتهاد و نظر شخصی دادن در برابر صریح آیه قرآن نبود، قرآن کریم با صراحت کامل می‌گوید یک پنجم از غنائم مربوط و متعلق به «ذی القربی» است ولی او به بهانه‌ی اینکه در این زمینه از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چیزی نشنیده است آیه قرآن را رد کرد.

۱. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۶ ص ۲۳۰

این تلاش‌ها فقط برای این بود که دست امام عَلَيْهِ السَّلَامُ را از مال دنیا تهی کنند تا نتوانند اندیشه قیام بر ضد حکومت را عملی کند از نظر فقه شیعه، به گواهی روایاتی که از جانشینان پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به دست ما رسیده است، سهم «ذی القربی» نه برای این است که خویشاوندان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آن را به مصارف شخصی و زندگی خاص خود بپردازند، بلکه بدان جهت است که دارنده‌ی این عنوان (یعنی ذی القربی) پس از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ دارای مقام زعامت و امامت و رهبری امت است، از این رو باید این سهم به خویشاوندان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ که ولی و زعیم مسلمانان نیز هست برسد و زیر نظر او مصرف شود.

خلیفه به خوبی می‌دانست که اگر حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ سهم ذی القربی را می‌طلبید مال شخصی خود را نمی‌خواهد، بلکه سهمی را می‌خواهد که باید شخصی که دارای عنوان «ذی القربی» است آن را دریافت کرده به عنوان زعیم مسلمانان در مصالح آنان صرف کند و چنین شخصی پس از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ جز حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ کسی نیست و دادن چنین سهمی به آن حضرت یک نوع عقب‌نشینی از خلافت و اعتراف ضمنی به زعامت امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ است بدین جهت خطاب به حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ گفت:

هرگز سهم ذی القربی را در اختیار شما نمی‌گذارم و پس از تأمین هزینه‌ی زندگی شما باقیمانده را در راه اسلام صرف می‌کنم.



## فدک در کشاکش گرایش‌ها و سیاست‌های متضاد

گرچه در نخستین روزهای خلافت هدف از تصرف فدک و مصادره‌ی اموال دختر گرامی پیامبر ﷺ تقویت بنیه‌ی مالی حزب حاکم و تهی ساختن دست خلیفه‌ی راستین از مال دنیا بود، ولی پس از گسترش حکومت اسلامی، فتوحات بزرگ مسلمین سیل ثروت را به مرکز خلافت روانه ساخت و دستگاه خلافت خود را از درآمد فدک بی‌نیاز دید از طرف دیگر مرور زمان پایه‌های خلافت خلفا را در جامعه اسلامی تحکیم کرد و دیگر کسی گمان نمی‌برد که خلیفه راستین امیرمؤمنان علی علیه السلام با درآمد فدک به فکر مخالفت بیفتد و در مقابل آن صف‌آرایی کند.

ولی در عین حال، سرزمین فدک و درآمد آن همچنان در قلمرو سیاست و اموال هر خلیفه‌ای بود که روی کار می‌آمد و درباره‌ی آن به گونه‌ای که با نحوه‌ی نظر و گرایش او به خاندان پیامبر ﷺ بستگی داشت تصمیم می‌گرفت، آنان که پیوند معنوی خود را با خاندان رسالت کاملاً بریده بودند از بازگردانیدن فدک به مالکان واقعی آن به شدت خودداری می‌کردند و آن را جزو اموال عمومی و خالصه‌ی حکومت قرار می‌دادند و احیاناً به تیول خود یا یکی از اطرافیان خویش درمی‌آوردند ولی کسانی که نسبت به خاندان پیامبر ﷺ کم و بیش مهری

می‌ورزیدند یا مقتضیات زمان و سیاست وقت ایجاب می‌کرد از فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام دلجوئی کنند، آن را به فرزندان حضرت زهرا علیها السلام می‌سپردند تا روزی که خلیفه دیگر و سیاست دیگری جانشین خلیفه و سیاست قبلی گردد.

از این جهت فدک هیچگاه وضع ثابت و استواری نداشت و همواره یکی از مسائل حسّاس روز بود.

در دوران خلفا تا زمان حضرت علی علیه السلام در اختیار خلفا بود و مانند دیگر اموال عمومی زیر نظر خلفا به مصرف می‌رسد هنگامی که معاویه زمام امور را به دست گرفت آن را میان سه نفر تقسیم کرد: سهمی به مروان و سهمی به عمرو بن عثمان بن عفّان و سهمی به فرزند خود یزید اختصاص داد.

و همچنان دست به دست می‌گشت تا اینکه مروان بن حکم در دوران خلافت خود، همه سهم را از آن دو نفر دیگر خرید و از آن خود قرار داد و سرانجام آن را به فرزند خود عبدالعزیز بخشید و او نیز آن را به فرزند خود عمر بن عبدالعزیز هدیه کرد و برای او به ارث گذاشت.

هنگامی که عمر بن عبدالعزیز به خلافت رسید تصمیم گرفت که بسیاری از لکه‌های ننگین بنی‌امیه را از دامن جامعه اسلامی بزدايد از این رو به جهت گرایشی که به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم داشت، فدک را به صاحبان اصلی آن



بازگردانید وی آن را در اختیار حسن بن حسن بن علی و به روایتی در اختیار حضرت سجاد علیه السلام (بنا به نقل ابن ابی الحدید) یا در اختیار حضرت باقر علیه السلام قرار داد. و نامه‌ای به فرماندار مدینه نوشت و دستور داد که فدک را به فرزندان حضرت فاطمه علیه السلام پس دهد. فرماندار مدینه در پاسخ نامه نوشت، فاطمه علیه السلام در مدینه فرزندان بسیاری دارد و هر کدام در خانواده‌ای زندگی می‌کنند من فدک را به کدام یک بازگردانم؟

خلیفه از پاسخ او سخت ناراحت شد و گفت: من اگر تو را به کشتن گاوی فرمان دهم مانند بنی اسرائیل خواهی گفت که رنگ آن گاو چگونه است.

هنگامی که نامه‌ی من به دست تو رسید فدک را میان فرزندان علی علیه السلام که از فاطمه علیه السلام هستند تقسیم کن. حاشیه‌نشینان خلافت که همه از شاخه‌های بنی امیه بودند از این روش خلیفه سخت ناراحت شدند و گفتند: تو با این عمل خود شیخین (عمر و ابوبکر) را تخطئه کردی.

چیزی نگذشت که عمر بن قیس با گروهی از کوفه وارد شام شد و از کار خلیفه انتقاد کرد، خلیفه در پاسخ آنان گفت:

شما جاهل و نادانید آنچه را من به خاطر دارم شما هم شنیده‌اید ولی فراموش کرده‌اید، زیرا استاد من ابوبکر بن محمد از پدرش و او از جدش نقل کرد که

پیامبر گرامی ﷺ فرمود، فاطمه عَلَيْهَا پاره‌ی تن من است و خشم او مایه خشم من و خشنودی او سبب خشنودی من است. فدک در زمان خلفا جزو اموال عمومی و خالصه‌ی حکومت بود و سپس به مروان واگذار شد و او نیز آن را به پدرم عبدالعزیز بخشید و از پدرم به ارث به من و برادرانم رسید. من سهم برادرانم را خریدم یا به من بخشیدند و من نیز آن را به حکم حدیث رسول اکرم ﷺ به فرزندان زهرا عَلَيْهَا بازگرداندم.

پس از عمر بن عبدالعزیز، آل مروان یکی پس از دیگری زمام امور را به دست گرفتند و همگی برخلاف فرزند عبدالعزیز گام برداشته و فدک را در تصرف خود درآورده و خاندان پیامبر ﷺ از درآمد آن کلاً محروم بودند پس از انقراض بنی امیه و تأسیس دولت عباسی فدک نوسان خاصی داشت.

نخستین خلیفه عباسی، سفّاح فدک را به عبدالله بن الحسن بازگرداند، پس از وی منصور آن را باز ستاند. مهدی فرزند منصور از روش او پیروی نکرد و فدک را به فرزندان حضرت فاطمه عَلَيْهَا بازگرداند. پس از درگذشت مهدی فرزندان وی موسی و هارون، که یکی پس از دیگری زمام خلافت را به دست گرفتند، فدک را از خاندان پیامبر ﷺ گرفتند و در تصرف خود درآوردند، تا اینکه مأمون فرزند هارون به خلافت رسید. روزی مأمون برای رسیدگی به شکایات رسماً جلوس کرد، نامه‌هایی را که ستمدیدگان نوشته بودند بررسی می‌کرد. نخستین نامه‌ای که

همان روز در دست او قرار گرفت نامه‌ای بود که نویسنده آن خود را وکیل و نماینده حضرت فاطمه علیها السلام معرفی کرده خواستار بازگرداندن فدک به دودمان نبوت شده بود.

خلیفه به آن نامه نگریست و دستور داد که نویسنده نامه را احضار کنند، پس از چند روز، پیرمردی وارد مجلس خلیفه شد و با مأمون درباره‌ی فدک به بحث نشست، پس از یک رشته مناظرات مأمون قانع شد و دستور داد که نامه رسمی به فرماندار مدینه بنویسند که فدک را به فرزندان حضرت زهرا علیها السلام بازگرداند نامه نوشته شد و به امضای خلیفه رسید و برای اجرا به مدینه ارسال شد. بازگرداندن فدک به خاندان نبوت مایه شادی شیعیان شد و دعبل خزائی قصیده‌ای در این زمینه سرود که نخستین بیت آن این است:

أَصْبَحَ وَجَهُ الزَّمَانِ قَدْ ضَحَكَ  
بَرَدَ مَأْمُونٍ هَاشِمٍ فِدْكَ

چهره‌ی زمانه خندان گشت، زیرا مأمون فدک را به فرزندان هاشم (که مالکان واقعی آن بودند) بازگرداند.

نامه‌ای که مأمون در این زمینه به فرماندار مدینه نوشت بسیار جالب است، خلاصه‌اش این است:

امیرمؤمنان با موقعیتی که در دین خدا و در خلافت اسلامی دارد و به سبب

خویشاوندی با خاندان نبوت شایسته‌ترین فردی است که باید سنت‌های پیامبر ﷺ را رعایت کند و آنچه را که حضرت به دیگران بخشیده است به مورد اجرا بگذارد. پیامبر گرامی ﷺ فدک را به دختر خود فاطمه علیها السلام بخشیده است و این مطلب چنان روشن است که هرگز کسی از فرزندان پیامبر ﷺ در آن اختلاف ندارد و کسی بالاتر از آنان خلاف آن را ادعا نکرده است که شایسته تصدیق باشد.

بر این اساس، امیرمؤمنان مأمون مصلحت دید که برای کسب رضای خدا و اقامه‌ی عدل و احقاق حق، آن را به وارثان پیامبر خدا ﷺ بازگرداند و دستور او را تنفیذ کنید. از این جهت به کارمندان و نویسندگان خود دستور داد که این مطلب را در دفاتر دولتی ثبت کنند، هرگاه پس از درگذشت پیامبر اکرم ﷺ در مراسم حج فریاد می‌زدند که هر کس از پیامبر ﷺ چیزی را به عنوان صدقه یا بخشش یا وعده ادعا کند ما را مطلع سازد.

مسلمانان گفتار او را می‌پذیرفتند تا چه رسد به دختر گرامی پیامبر ﷺ که حتماً باید قول او تصدیق و تأیید شود.

امیرمؤمنان به مبارک طبری دستور داد فدک را با تمام حدود و حقوق، به وارثان فاطمه علیها السلام بازگرداند و آنچه در دهکده فدک از غلامان و غلات و چیزهای دیگر هست به محمد بن یحیی بن حسن بن زید بن علی بن الحسین و

محمد بن عبدالله بن حسن بن علی بن الحسین بازگرداند.

بدانکه این نظری است که امیرمؤمنان از خدا الهام گرفته و خدا او را موفق ساخته است که به سوی خدا و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تقرب جوید.

این مطلب را به کسانی که از جانب تو انجام وظیفه می‌کنند برسان و در عمران و آبادی فدک و زیاد شدن درآمد آن بکوش.<sup>۱</sup>

پس از مأمون، همچنان فدک در دست فرزندان حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام بود تا اینکه متوکل به خلافت انتخاب شد. وی از دشمنان سرسخت خاندان رسالت بود لذا فدک را از فرزندان حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام بازگرفت.

در سرزمین فدک یازده نخل وجود داشت که آن‌ها را پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به دست مبارک خود کاشته بودند و مردم در ایام حج خرماهای آن نخل‌ها را به عنوان تبرک و به قیمت گران می‌خریدند و این خود کمک شایانی به خاندان نبوت بود. خلیفه از این مسئله ناراحت بود لذا مردی را به نام «شبیبران» به مدینه فرستاد تا آن نخل‌ها را قطع کند وی نیز مأموریت خود را انجام داد ولی وقتی به بصره بازگشت فلج شد.

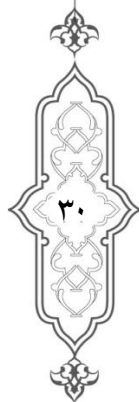
از آن دوره به بعد فدک از خاندان نبوت گرفته شد و حکومت‌های جور از بازگرداندن آن خودداری کردند.

۱. فتوح البلدان ص ۳۹ تا ۴۱، تاریخ یعقوبی، ج ۳ ص ۴۸

## پرونده فدک در معرض افکار عمومی

پس از گذشت چهارده قرن از جریان غصب فدک هنوز پرونده فدک مفتوح است و باید مسلمانان در برابر این حق‌کشی مسلم که تاریخ اسلام را لکه‌دار کرد به مطالعه‌ی آن پردازند. شکی نیست که فدک از املاک خالصه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ طبق دستور قرآن بود و رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در زمان حیات خود آن را به حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام بخشیدند و پس از رحلت آن حضرت و روی کار آمدن خلیفه، فدک را از دست حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام گرفتند، اینجا باید خردمندان و مسلمانان با انصاف بدون پیش داوری قبلی به قضاوت بنشینند و طبق قوانین اسلام، به این موضوع پردازند و حق را (گرچه بعد از چهارده قرن) به صاحب آن پردازند، مدارکی که حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام در این پرونده داشته‌اند همچنان در متن احکام اسلامی موجود است و عذرهایی که خلیفه برای پذیرش آن عرضه کردند نیز در کتاب‌ها موجود است.

خوشبختانه تاریخ گرچه ممکن است در یک مقطع خاص در اختیار افراد خاصی قرار بگیرد و هرگونه که بخواهند او را بسازند ولی گذشت زمان دست قدرتمندان را از سر تاریخ کم می‌کند و تاریخ به وجدان خود بازگشته و بالاجبار حق را بیان می‌دارد.



ما در این مختصر، چون بنای طولانی کردن سخن را نداشتیم به همین مقدار بسنده کرده و طالبان حقیقت را به کتاب پر ارزش «فروغ ولایت» نوشته «حضرت آیت الله سبحانی» که این مطالب عیناً از آنجا نقل شده، فصل پنجم، پرونده فدک در معرض افکار عمومی صفحه ۲۱۵ تا ۲۵۸ راهنمائی می‌کنیم، حتماً مطالعه کنید و وجدان بیدار تاریخ را که گاه و بی‌گاه تحت سلطه افراد و دولت‌ها حقایق را پنهان می‌کند ولی پس از گذشت زمان آنان به خود می‌آید، بار دیگر تجربه کنید و بالأخره به این نتیجه می‌رسید که جمله‌ی معروفی که بزرگان ما به عنوان یک واقعیت در عالم آفرینش گفته‌اند که:

«الْقَصْرُ لَا يَدُومُ» «زور ادامه ندارد»، و حق گرچه چند روزی ممکن است زیر پوشش قدرت‌ها قرار گیرد ولی بالأخره، حق، حق است و باطل، باطل. و حقایق حق خود را پس از گذشت زمانی شاید نسبتاً طولانی خود را نشان می‌دهد.

## خودآزمایی

۱. بعد از انتخاب ابوبکر، حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام چه کردند؟
۲. کدام امتیاز حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام می توانست برای دستگاه خلافت ایجاد اشکال کند؟
۳. فدک چه خصوصیتی داشت؟
۴. در فقه اسلامی «فیء» به چه چیزی اطلاق می شود؟
۵. شأن نزول آیه ۲۶ سوره اسراء چیست؟
۶. چرا پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فدک را به دختر خود بخشید؟
۷. انگیزه های تصرف فدک چه بود؟
۸. اختلاف حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام با ابوبکر بر سر چه موضوعاتی بود؟
۹. هنگامی که عمر بن عبدالعزیز به خلافت رسید چه تصمیمی درباره فدک گرفت؟
۱۰. موضع مأمون در مورد فدک چه بود؟